

پایان نامه جهت اخذ مدرک دکتری تخصصی (Ph.D) در رشته فیزیوتراپی

عنوان: بررسی پایایی آزمونهای تشخیصی و روایی سازه دسته بندیهای مبتنی بر دیدگاه اختلالات سیستم حرکتی برای گردن درد مکانیکی

نگارنده: مهرنوش امین

استادان راهنما: دکتر امین بهداروندان

استادان مشاور: دکتر مریم سعادت، دکتر آرمین جهانگیری بآبادی، دکتر پیام امینی

تاریخ دفاع: آبان ۱۴۰۳

چکیده:

مقدمه: گردن درد مکانیکی ناشی از حرکات تکراری و وضعیتهای غلط ستون فقرات گردن می باشد که عود مجدد و مزمن شدن پیامد شایع آن است. بر اساس نتایج برخی از مطالعات شواهد ناهمگنی برای اندازه اثر فیزیوتراپی در درمان گردن درد مزمن ذکر شده است. به نظر می رسد دسته بندی اختلالاتی مانند گردن درد در گروه های تشخیصی مجزا می تواند اثر درمانهای فیزیوتراپی را افزایش دهد. یکی از مدل های بالینی که در آن یک نظام دسته بندی برای گردن درد مکانیکی مطرح شده است، مدل اختلالات سامانه حرکت می باشد. سنجش پایایی و روایی دسته بندیها یک فرایند اساسی به شمار می رود. لذا هدف نخست در مطالعه حاضر، بررسی میزان پایایی بین-ارزیابها و درون ارزیاب برای معاینات حرکتی و تشخیص بر اساس مدل ذکر شده بود. هدف دوم این مطالعه، بررسی روایی سازه دسته بندیها بود.

مواد و روش: ۸۱ بیمار مبتلا به گردن درد طبق معیارهای ورود و خروج انتخاب شدند. معاینات شامل ارزیابی علائم، نشانه ها در طی آزمونهای وضعیتی، حرکتی و تشخیصی بود که توسط ۳ فیزیوتراپیست و در یک جلسه انجام شد. معاینات عینا و پس از یک هفته مجددا تکرار شد. برای تحلیل پایایی، شاخصهای کاپا و گاما محاسبه شد. برای بررسی روایی سازه، تحلیل عاملی برای استخراج دسته بندیهای پیشنهادی استفاده شد.

نتایج: دامنه شاخصهای کاپا از نظر پایایی بین و درون ارزیاب برای آیتم های علائم (۰/۳۶-۱) و (۰/۸۳-۰/۰۴-) بود. دامنه شاخصهای کاپا برای پایایی بین و درون ارزیاب برای آیتم های نشانه ها (۰/۳۶-۱) و (۰/۰۴-۱-) بود. شاخص کاپا برای توافق بین ارزیابها از نظر تشخیص ۰/۷۲ بود و برای توافق درون ارزیاب تشخیصی در دامنه (۰/۲- - ۰/۳۳-) بود. دامنه شاخصهای گاما از نظر پایایی بین و درون ارزیاب برای آیتم های علائم (۰/۰۱- + ۰/۰۱-) و (۰/۰۱- + ۱-) و برای آیتم های نشانه ها (۰/۰۱- + ۰/۰۱-) و (۰/۰۱- + ۱-) بود. شاخص گاما برای توافق بین ۳ ارزیاب از نظر تشخیص ۰/۰۱ بود و دامنه گاما از نظر توافق درون ارزیابها (۰/۰-۶۳/۸) بود. دو عامل اصلی، از تحلیل عاملی استخراج شد.

نتیجه گیری: نتایج مطالعه حاضر نشان داد که توافق بین ارزیابها برای علائم، نشانه ها و تشخیص بیماران مبتلا به گردن درد بر اساس رویکرد اختلالات سامانه حرکت به طور کلی قابل قبول بود. به هر حال، برای پایایی درون ارزیاب سطوح پایین تری از پایایی مشاهده شد. دسته بندی گردن درد فلکسیون-روتاسیون و اکستانسیون-روتاسیون تایید شد.

واژگان کلیدی: گردن درد مکانیکی، دسته بندی، اختلالات سیستم حرکت، پایایی، روایی

پایان نامه جهت اخذ مدرک دکتری تخصصی (Ph.D) در رشته فیزیوتراپی

عنوان: تاثیر تمرینات تعادلی با و بدون تکلیف شناختی و تمرکز خارجی توجه بر روی کنترل پاسچر افراد با بازسازی لیگامان متقاطع قدامی - کارآزمایی بالینی دو سوبه کور

نگارنده: عبدالله طیبی

استادان راهنما: دکتر حسین کوهزاد محمدی

استادان مشاور: دکتر غلامحسین نساج، محمد مهرآور

تاریخ دفاع: تیر ۱۴۰۳

چکیده:

مقدمه: هدف از این مطالعه مقایسه اثرات تمرینات تعادلی با و بدون تکلیف شناختی و تمرکز خارجی توجه بر روی کنترل پاسچر افراد ورزشکار با بازسازی لیگامان متقاطع قدامی زانو بود.

روش کار: در این مطالعه، ۴۸ ورزشکار با بازسازی لیگامان متقاطع قدامی زانو به روش تصادفی ساده در سه گروه قرار گرفتند. کنترل پاسچر افراد قبل و بعد از تمرینات تعادلی در وضعیت ایستاده یکپا با استفاده از صفحه نیرو با و بدون فوم و با تست تعادلی ستاره ای ارزیابی شد. شرکت کنندگان ۸ هفته در سه گروه تمرینات تعادلی، تمرینات تعادلی با تمرکز خارجی توجه و تمرینات تعادلی با تکلیف شناختی را انجام دادند. پارامترهای اندازه گیری خطی: دامنه نوسان، میانگین سرعت نوسان و ناحیه نوسان، انحراف معیار سرعت نوسان، میانگین فرکانس توان و پارامترهای اندازه گیری غیر خطی آنتروپی نمونه، حداکثر نمای لیاپانوف بودند. برای ارزیابی ثبات کلی، زمان بازگشت به ثبات ثبت شد.

نتایج: در یافته‌های این مطالعه افراد گروه های ۲ و ۳ کاهش معنی داری در دامنه نوسان قدامی - خلفی مرکز فشار (به ترتیب $P=0/048$ و $P=0/006$)، نوسان داخلی خارجی ($P=0/019$ و $P=0/002$)، انحراف معیار سرعت نوسان قدامی خلفی (به ترتیب $P=0/001$ و $P=0/008$)، انحراف معیار سرعت نوسان داخلی خارجی (به ترتیب $P=0/048$ و $P=0/006$)، مساحت نوسان ($P=0/019$ و $P=0/002$)، افزایش بزرگترین ضریب لیاپانوف در جهت قدامی خلفی (به ترتیب $P=0/029$ و $P=0/041$)، افزایش بزرگترین ضریب لیاپانوف در جهت داخلی خارجی (به ترتیب $P=0/034$ و $P=0/016$)، کاهش معنی دار آنتروپی نمونه در جهت قدامی خلفی (به ترتیب $P=0/001$ و $P=0/017$)، آنتروپی نمونه در جهت داخلی خارجی (به ترتیب $P=0/022$ و $P=0/042$) هنگام ایستادن روی فوم مشاهده شد ولی در افراد گروه اول تغییرات معنی داری در هیچکدام از شاخص ها دیده نشد. میانگین فرکانس توان قدامی خلفی و زمان بازگشت به ثبات در هیچکدام از گروهها تغییرات معنی داری مشاهده نشد.

نتیجه گیری: تمرینات تعادلی با تمرکز خارجی توجه و تکلیف شناختی را می توان برای بهبود کنترل پاسچر افراد ورزشکار با بازسازی لیگامان متقاطع قدامی زانو در زمان برگشت به ورزش استفاده کرد تا میزان اتوماتیک شدن کنترل پاسچر بهبود یابد.

واژگان کلیدی: بازسازی لیگامان متقاطع قدامی، کنترل پاسچر، تمرینات تعادلی، تمرکز توجه، تکلیف شناختی

پایان نامه جهت اخذ مدرک دکتری تخصصی (Ph.D) در رشته فیزیوتراپی

عنوان: موفقیت درمان‌های ترکیبی تمرین درمانی، ارتز پا و تیپ گذاری کشکک در افراد مبتلا به سندرم درد کشککی رانی: ایجاد معیارهای پیش بینی بالینی

نگارنده: مه‌ری شاکری نسب

استادان راهنما: دکتر محمد جعفر شاطرزاده یزدی

استادان مشاور: دکتر ناهید پیرایه، دکتر ندا اورکی فر

تاریخ دفاع: شهریور ۱۴۰۴

چکیده:

مقدمه: این مطالعه به بررسی مدیریت درمان سندرم درد کشککی رانی پرداخته و بر این نکته تأکید دارد که درمان این بیماری همچنان یک چالش مهم بالینی است. مداخلات گوناگون ممکن است در کوتاه مدت مؤثر باشند، اما نتایج بلندمدت اغلب رضایت بخش نیستند. دلیل احتمالی این مشکل، عدم درک کافی از ویژگی‌های بیمارانی است که می‌توانند موفقیت درمان را پیش‌بینی کنند. هدف این پژوهش، شناسایی عواملی است که می‌توانند نتایج درمانی موفق را پیش‌بینی کنند. در این راستا، یک مداخله ترکیبی شش هفته‌ای شامل تمرین درمانی، استفاده از ارتز پا و تیپ گذاری کشکک بر روی افراد مبتلا به سندرم درد کشککی رانی اجرا شده است.

روش کار: این مطالعه بر روی ۵۰ بیمار مبتلا به سندرم درد کشککی رانی شامل ۳۰ زن و ۲۰ مرد با میانگین سنی ۲۹.۴ سال انجام شد. بیماران از نظر ویژگی‌های جمعیتی، شدت درد، عوامل بیومکانیکی و عملکردی ارزیابی شدند. پس از آن تحت درمان ۶ هفته‌ای درمان ترکیبی قرار گرفتند. در صورت کاهش ۲ واحدی درد و همچنین افزایش ۸ واحدی عملکرد، در گروه موفق در درمان قرار می‌گرفتند. در گروه موفق در درمان، با کمک منحنی راک، جدول توافقی و مدل رگرسیون لجستیک، ویژگی‌های پیش‌بینی‌کننده موفقیت درمان ترکیبی استخراج گردید.

نتایج: تحلیل رگرسیون لجستیک چندین عامل مؤثر بر موفقیت درمان را شناسایی کرد. نتایج نشان داد که شاخص توده بدنی (BMI) بالاتر و حداکثر شدت درد بیشتر قبل از درمان، با احتمال کمتر موفقیت درمان همراه بودند.

(OR = 0.427, p = 0.043; OR = 0.317, p = 0.027))

در مقابل، نمرات بالاتر مقیاس درد قدامی زانو قبل از درمان، که نشان‌دهنده عملکرد بهتر است، همراه با قدرت ایزومتریک چرخش داخلی ران، قدرت اکستنسیون ران، قدرت ابداکتور ران و قدرت چرخش خارجی ران، ارتباط مثبتی با موفقیت درمان داشتند (OR بین ۲.۵۸۳ تا ۳.۸۵۸، همگی $p < 0.05$). علاوه بر این، کوتاهی عضله همسترینگ تأثیر منفی بر نتایج درمان نشان داد (OR = 0.497)، $p = 0.034$.

نتیجه‌گیری: نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که ترکیبی از شاخص‌های آنترپومتریک، شدت درد، وضعیت عملکردی، قدرت عضلات لگن و طول عضله همسترینگ می‌تواند به عنوان پیش‌بینی‌کننده‌های بالینی مهمی برای شناسایی بیماران مبتلا به سندرم درد کشککی-رانی مورد استفاده قرار گیرد. این پیش‌بینی‌کننده‌ها به شناسایی بیمارانی که احتمال بیشتری دارند که از رویکرد درمانی ترکیبی فیزیوتراپی بهره‌مند شوند، کمک می‌کنند.

واژگان کلیدی: سندرم درد کشککی رانی، تمرین درمانی، ارتز پا، تیپ گذاری کشکک، معیار پیش‌بینی بالینی.

پایان نامه جهت اخذ مدرک کارشناسی ارشد در رشته رشته فیزیوتراپی

عنوان: بررسی تأثیر روش های مختلف اعمال کینزیوتیپ بر قدرت مشت کردن در افراد سالم

نگارنده: احمد جهانگیری

استادان راهنما: دکتر حسین کوه زاد محمدی

استادان مشاور: دکتر ندا اورکی فر

تاریخ دفاع: مهر ماه ۱۴۰۳

چکیده:

مقدمه: کاهش قدرت مشت کردن هنگام انجام فعالیت های روزانه می تواند مشکلات زیادی را به وجود آورد و بنابراین تقویت عضلات مؤثر بر آن یکی از اهداف اصلی توانبخشی است. یکی از راه های مهم افزایش قدرت مشت کردن، استفاده از کینزیوتیپ است. هدف از این مطالعه مقایسه تأثیر روش های مختلف اعمال کینزیوتیپ بر قدرت مشت کردن بود.

روش کار: در این مطالعه ۳۰ فرد سالم از هر دو جنس با میانگین سنی $3/92 \pm 24/57$ با استفاده از نمونه گیری غیر تصادفی ساده انتخاب شدند. افراد در پنج روز متوالی با ۴۸ ساعت فاصله از همدیگر، روشهای مختلف اعمال کینزیوتیپ بر روی ناحیه اکستانسوری ساعد را دریافت کردند. این روشها شامل: I شکل از ابتدا به انتها، I شکل از انتها به ابتدا، Y شکل از ابتدا به انتها، Y شکل از انتها به ابتدا و بدون اعمال کینزیوتیپ بود. قدرت مشت کردن قبل و ۳۰ دقیقه پس از اعمال کینزیوتیپ بوسیله دستگاه دینامومتر اندازه گیری شد.

نتایج: بر اساس نتایج بدست آمده، تمامی روشهای اعمال کینزیوتیپ I و Y شکل باعث افزایش قدرت مشت کردن شدند ($p < 0.001$). در مقایسه روش های مختلف اعمال کینزیوتیپ I و Y شکل با حالت بدون اعمال کینزیوتیپ، تفاوت معنی دار وجود داشت ($p < 0.001$). بین روش های مختلف اعمال کینزیوتیپ I شکل اختلاف معنی داری دیده نشد ($p > 0.05$). همچنین بین روش های مختلف اعمال کینزیوتیپ Y شکل نیز اختلاف معنی داری دیده نشد ($p > 0.05$). اما بین روش های مختلف اعمال کینزیوتیپ I با Y شکل تفاوت معنی دار وجود داشت و افزایش قدرت مشت کردن در روش I شکل بیشتر از Y شکل بود ($p < 0.001$).

نتیجه گیری: تمامی روشهای اعمال کینزیوتیپ می توانند باعث افزایش قدرت مشت کردن شوند. لذا به هنگام نیاز به کاربرد کینزیوتیپ جهت افزایش قدرت مشت کردن، از هر کدام از روشها که برای درمانگر و بیمار مناسبتر باشد می توان استفاده نمود.

واژگان کلیدی: کینزیوتیپ، قدرت مشت کردن، ناحیه اکستانسوری ساعد

پایان نامه جهت اخذ مدرک کارشناسی ارشد در رشته فیزیوتراپی

عنوان: بررسی مقایسه ای ارتباط بین سه جزء تنظیمات وضعیتی و کنترل تعادل پویا حین انجام آزمون رسیدن عملکردی در وضعیت ایستاده در افراد مبتلا به کمردرد غیراختصاصی مزمن و افراد سالم

نگارنده: فاطمه براتی

استادان راهنما: دکتر ندا اورکی فر، محمد مهرآور

استادان مشاور: دکتر امین بهداروندان، دکتر راضیه مفتاح

تاریخ دفاع: شهریور ۱۴۰۳

چکیده:

مقدمه: با توجه به اهمیت کنترل حرکت در توانایی حفظ تعادل در فعالیتهای روزمره، هدف از مطالعه حاضر، بررسی مقایسه ای ارتباط بین سه جزء تنظیمات وضعیتی اولیه، پیش بینانه، جبرانی و کنترل تعادل پویا حین انجام آزمون رسیدن عملکردی در وضعیت ایستاده در افراد مبتلا به کمردرد غیر اختصاصی مزمن و افراد سالم است.

روش کار: در این مطالعه مورد-شاهدی ۲۵ فرد سالم و ۳۱ فرد مبتلا به کمردرد غیراختصاصی مزمن شرکت نمودند. فعالیت الکتریکی عضلات تنه و اندام تحتانی راست (سولئوس، عرضی شکمی / مایل داخلی، هامسترینگ داخلی، هامسترینگ خارجی و مستقیم کمری) با استفاده از الکترومایوگرافی سطحی، جابه جایی مرکز فشار به وسیله صفحه نیرو و نیز مسافت جابه جایی حین آزمون رسیدن عملکردی ثبت گردید.

نتایج: در افراد مبتلا به کمردرد غیراختصاصی مزمن، ارتباط بین سطح فعالیت الکتریکی عضله هامسترینگ داخلی در بازه زمانی پیش بینانه و میانگین میزان جابه جایی داخلی-خارجی مرکز فشار

($r = 0.42$ ، $pvalue = 0.019$) به طور معناداری مثبت بود. علاوه بر این، نتایج یک ارتباط مثبت معنادار بین سطح فعالیت الکتریکی عضله هامسترینگ خارجی و میانگین میزان جابه جایی داخلی-خارجی مرکز فشار در بازه زمانی جبرانی نشان داد ($r = 0.46$ ، $p value = 0.009$).

نتیجه گیری: نتایج ما نشان داد که تغییر استراتژی های کنترل حرکت پیش خوراندی و جبرانی عضلات وضعیتی تنه و اندام تحتانی در افراد مبتلا به کمردرد غیراختصاصی مزمن، با افزایش تاخیر در فعالیت الکتریکی عضلات و جابه جایی بیشتر مرکز فشار در صفحه جانبی حین انجام آزمون رسیدن عملکردی مرتبط می باشد.

واژگان کلیدی: تنظیمات وضعیتی، آزمون رسیدن عملکردی، کمردرد غیراختصاصی مزمن

پایان نامه جهت اخذ مدرک کارشناسی ارشد در رشته کارشناسی ارشد در رشته فیزیوتراپی

عنوان: مقایسه تأثیر خستگی عضلات پشت ساق پا بر کنترل پاسچر ایستا و پویای افراد با و بدون کمردرد غیراختصاصی مزمن

نگارنده: مریم رفیعی طاقانکی

استادان راهنما: دکتر مریم سعادت، دکتر مجید روانبخش

استادان مشاور: دکتر معصومه حسام، محمد مهرآور

تاریخ دفاع: مهر ۱۴۰۳

چکیده:

مقدمه: کنترل پاسچر در افراد مبتلا به کمردرد و همچنین در حالت خستگی عضلانی دچار اختلال می‌شود. تأثیر خستگی عضلات پشت ساق پا بر کنترل پاسچر افراد مبتلا به کمردرد مشخص نیست بنابراین هدف این مطالعه، مقایسه تأثیر خستگی عضلات پلانتر فلکسور بر کنترل پاسچر بین افراد مبتلا به کمردرد غیراختصاصی مزمن و سالم می‌باشد.

روش کار: ۳۶ فرد مبتلا به کمردرد و ۳۶ فرد سالم در این مطالعه شرکت کردند. ثبات پاسچر ایستا توسط یک صفحه نیرو قبل و بعد از پروتکل خستگی (بلند کردن پاشنه پا) ارزیابی شد. اطلاعات مربوط به مرکز فشار پاها در حالت ایستاده روی سطح سخت با چشم باز، سطح سخت با چشم بسته و فوم با چشم بسته جمع‌آوری شد. میانگین سرعت، ناحیه نوسان و انحراف معیار سرعت (در جهات قدامی - خلفی و داخلی - خارجی) مرکز فشار اندازه‌گیری شدند. جهت بررسی کنترل پاسچر پویا آزمون تعادلی Y بررسی شد.

نتایج: پس از خستگی، انحراف پذیری سرعت نوسانات در جهت داخلی - خارجی در حالت فوم با چشم بسته ($p=0/035$) و ناحیه نوسان در حالت چشم بسته ($p=0/027$) در افراد مبتلا به کمردرد نسبت به افراد سالم بیشتر بود. یافته‌های مطالعه نشان دادند که همه شرکت‌کنندگان پس از خستگی نوسانات پاسچرال بیشتری در تکلیف وضعیتی دشوارتر (چشم بسته) نسبت به تکلیف وضعیتی ساده‌تر (چشم باز) نشان دادند ($p<0/01$). در مقایسه بین حالت چشم باز و چشم بسته روی فوم، کاهش ثبات پاسچرال افراد پس از خستگی به افزایش دشواری تکلیف وضعیتی وابسته نبود ($p>0/05$) افراد مبتلا به کمردرد هم قبل از ایجاد خستگی و هم بعد از آن فاصله دستیابی کمتری در جهات قدامی، خلفی راست و چپ و نمره کلی کمتری نسبت به افراد سالم داشتند ($p<0/05$)

نتیجه‌گیری: خستگی عضلات پلانتر فلکسور باعث اختلال در کنترل پاسچر دو گروه شد که اثر آن در گروه کمردرد بیشتر بود. این تأثیر مخصوصاً زمانی اطلاعات بینایی حذف می‌شد؛ بیشتر بود.

واژگان کلیدی: کمردرد، خستگی، کنترل پاسچر

پایان نامه جهت اخذ مدرک کارشناسی ارشد در رشته فیزیوتراپی

عنوان: اثر گردن درد مزمن غیر اختصاصی بر سازمان دهی حسی و محدوده های ثباتی: یک مطالعه ی مورد-شاهدی

نگارنده: سید محمدرضا صالحی

استادان راهنما: دکتر سعیده منجزی

استادان مشاور: دکتر مریم سعادت، دکتر معصومه حسام

تاریخ دفاع: دی ماه ۱۴۰۳

چکیده:

مقدمه: در مطالعات پیشین بر همبستگی گردن درد غیراختصاصی مزمن و اختلال کنترل وضعیتی تاکید شده است؛ اما آزمون های سازماندهی حسی و محدوده های ثباتی در یک جمعیت از مبتلایان به گردن درد غیراختصاصی مزمن بررسی نشده اند. بنابراین، مطالعه حاضر با هدف بررسی شاخص های سازماندهی حسی و محدوده های ثباتی در مبتلایان به گردن درد غیراختصاصی مزمن و مقایسه آن ها با افراد سالم بدون علامت انجام شد.

مواد و روش ها: بیست و پنج فرد مبتلا به گردن درد غیراختصاصی مزمن و ۲۵ فرد سالم در این مطالعه مورد-شاهدی شرکت کردند. آزمون های سازماندهی حسی و محدوده های ثباتی با استفاده از دستگاه پاسچروگرافی پویای کامپیوتری نوروکام مورد بررسی قرار گرفت. نمره مرکب و نمره های تعادلی وضعیت-های شش گانه آزمون سازماندهی حسی و شاخص های زمان واکنش، سرعت حرکت، مسافت نقطه نهایی، بیشینه مسافت و کنترل جهتی در آزمون محدوده-های ثباتی ارزیابی شد.

نتایج: نتایج بیانگر تفاوت بین گروهی معنی دار در نمره مرکب آزمون سازماندهی حسی ($p\text{-value}=0/002$ ، اندازه تاثیر = $0/912$) و نمره تعادل در وضعیت های سوم ($p\text{-value}=0/018$ ، اندازه تاثیر = $0/690$)، چهارم ($p\text{-value}=0/024$ ، اندازه تاثیر = $0/318$)، پنجم ($p\text{-value}=0/019$ ، اندازه تاثیر = $0/688$) و ششم ($p\text{-value}=0/006$ ، اندازه تاثیر = $0/815$) بود. همچنین، سرعت حرکت ($p\text{-value}=0/002$ ، اندازه تاثیر = $0/952$) و مسافت نقطه نهایی ($p\text{-value}=0/044$ ، اندازه تاثیر = $0/585$) بین دو گروه تفاوت آماری معنی داری داشت.

نتیجه گیری: نتایج این مطالعه نشان داد به طور کلی مبتلایان به گردن درد غیراختصاصی مزمن در مقایسه با افراد سالم بدون علامت، عملکرد ضعیف تری در یکپارچگی حسی و مدیریت اغتشاشات محیطی و بینایی دارند؛ همچنین، به صورت ارادی استراتژی های محتاطانه تری را در حرکت اتخاذ می نمایند. نتایج این پژوهش می تواند شاهدی بر اهمیت مداخلات مورد نیاز در جهت بهبود عملکرد سیستم کنترل وضعیتی و تقویت عملکرد سیستم حس عمقی در مبتلایان به گردن درد غیراختصاصی مزمن باشد و بر گنجانیدن این مداخلات در برنامه ی درمانی مبتلایان تاکید کند.

واژگان کلیدی: گردن درد، کنترل وضعیتی، تعادل، سازماندهی حسی، محدوده های ثباتی

پایان نامه جهت اخذ مدرک کارشناسی ارشد در رشته فیزیوتراپی

عنوان: قابلیت پاسخ دهی و حداقل تغییرات بالینی مهم مقیاس های سنجش پیامد نسخه فارسی شاخص ناتوانی عملکردی گردن کپنهاگن، پرسشنامه گردن بورنموث و شاخص عملکردی ستون فقرات به دنبال مداخلات رایج فیزیوتراپی در افراد مبتلا به گردن درد مزمن غیراختصاصی

نگارنده: مریم نریمسیا

استادان راهنما: دکتر معصومه حسام

استادان مشاور: دکتر مریم سعادت، دکتر سعیده منجری

تاریخ دفاع: تیر ۱۴۰۲

چکیده:

مقدمه: گردن درد مزمن تاثیر چشمگیری بر روی کیفیت زندگی افراد دارد. شاخص عملکردی ناتوانی گردن کپنهاگن و پرسشنامه گردن بورنموث و شاخص عملکردی ستون فقرات پرسشنامه های تکرار پذیر و معتبری در رابطه با ناتوانیهای ناشی از گردن درد هستند که قابلیت پاسخ دهی آنها مورد بررسی قرار نگرفته است. به همین منظور هدف اصلی این مطالعه بررسی قابلیت پاسخ دهی و بیان حداقل تغییرات بالینی معنادار با استفاده از این سه پرسشنامه در افراد فارسی زبان با مشکلات مزمن گردن درد است.

روش کار: شرکت کنندگان در مطالعه ۱۴۵ بیمار مبتلا به گردن درد مزمن بودند که نسخه فارسی سه شاخص عملکردی ناتوانی گردن کپنهاگن و پرسشنامه گردن بورنموث و شاخص ناتوانی ستون فقرات را در اولین جلسه درمان فیزیوتراپی تکمیل کردند و در جلسه آخر علاوه بر هر سه پرسشنامه، مقیاس هفت آیتمی گذشته نگر رتبه بندی تغییرلیکرت را هم تکمیل کردند. برای بررسی قابلیت پاسخ دهی خارجی از سطح زیر منحنی مشخصه عملکرد سیستم و ضریب همبستگی گاما استفاده شد و علاوه بر آن حداقل تغییرات مهم بالینی تعیین شد. برای بررسی قابلیت پاسخ دهی درونی از اندازه تاثیر و میانگین پاسخ استاندارد استفاده شد.

نتایج: هر سه معیار سنجش پیامد دارای ناحیه زیر منحنی با عدد 0.96 و نمره حداقل تغییرات بالینی مهم، ترتیب برای پرسشنامه های شاخص عملکردی ناتوانی گردن کپنهاگن 10 و برای پرسشنامه گردن بورنموث 7 و برای شاخص ناتوانی ستون فقرات 10 به دست آمد. نتایج نشان دهنده ضریب همبستگی گاما بالا برای شاخص عملکردی ناتوانی گردن کپنهاگن ($r=0.98$) و برای پرسشنامه گردن بورنموث ($r=0.99$) و برای شاخص عملکردی ستون فقرات ($r=0.99$) و مقیاس هفت آیتمی گذشته نگر رتبه بندی تغییر بود. اندازه تاثیر و میانگین پاسخ استاندارد به ترتیب برای شاخص عملکردی ناتوانی گردن کپنهاگن $5/67$ و $1/17$ و برای پرسشنامه گردن بورنموث $9/29$ و $1/33$ و برای شاخص عملکردی ستون فقرات $7/24$ و $1/17$ بودند.

نتیجه گیری: نسخه فارسی هر سه پرسشنامه شاخص عملکردی ناتوانی گردن کپنهاگن، پرسشنامه گردن بورنموث و شاخص عملکردی ستون فقرات دارای قابلیت پاسخ دهی قابل قبول برای ارزیابی تغییرات در حوزه سلامت افراد دارای گردن درد غیر اختصاصی مزمن پس از انجام مداخلات فیزیوتراپی هستند.

واژگان کلیدی: سنجش پیامدها، قابلیت پاسخ دهی، حداقل تغییرات بالینی معنادار، مقیاس سنجش پیامد بیمار محور، گردن درد، توانبخشی

پایان نامه جهت اخذ مدرک کارشناسی ارشد در رشته فیزیوتراپی ورزشی

عنوان: بررسی تاثیر ابعاد مختلف شناخت بر پارامترهای کینماتیک فرود لی لی تک پا در ورزشکاران با بازسازی لیگامان متقاطع قدامی در مقایسه با ورزشکاران سالم

نگارنده: صدیقه رحمتی پور

استادان راهنما: دکتر ناهید پیرایه

استادان مشاور: دکتر راضیه مفتاح ، محمد مهرآور

تاریخ دفاع: مهرماه ۱۴۰۳

چکیده:

مقدمه: هدف از این مطالعه بررسی تاثیر ابعاد مختلف شناخت بر پارامترهای کینماتیک فرود لی لی تک پا در ورزشکاران با بازسازی لیگامان متقاطع قدامی در مقایسه با ورزشکاران سالم بود

روش کار: ۲۵ ورزشکار مرد با بازسازی لیگامان متقاطع قدامی و ۲۵ ورزشکار مرد سالم در این مطالعه شرکت کردند. ارزیابی کینماتیک فعالیت فرود لی لی تک پا در لحظه تماس اولیه در شرایط تکلیف منفرد و دوگانه انجام شد. تکالیف شناختی مورد استفاده در این مطالعه شامل استروپ شنوایی، نقطه‌ها و شمردن به عقب ۳ تایی بود. برای ارزیابی کینماتیک، متغیرهای میانگین زوایای مفاصل اندام تحتانی با سیستم آنالیز حرکت اندازه‌گیری شد

نتایج: تحلیل‌های آماری، در صفحه ساژیتال در لحظه تماس اولیه در فعالیت فرود لی لی تک پا، به ترتیب افزایش معنادار زاویه‌ی فلکشن هیپ و کاهش معنادار زاویه‌ی فلکشن زانو در شرایط با و بدون تکالیف مختلف شناختی در اندام درگیر گروه با بازسازی لیگامان متقاطع قدامی در مقایسه با اندام غالب گروه ورزشکاران سالم را نشان داد (به ترتیب $p\text{-value} = ۰/۰۰۲$ و $p\text{-value} = ۰/۰۰۶$) علاوه بر این در اندام درگیر گروه ورزشکاران با بازسازی لیگامان متقاطع قدامی در شرایط تکلیف منفرد، زاویه‌ی فلکشن هیپ بیشتر از تکلیف نقطه‌ها ($p\text{-value} = ۰/۰۱۳$) و شمردن به عقب ($p\text{-value} = ۰/۰۰۲$) بود و زاویه‌ی فلکشن زانو در شرایط تکالیف دوگانه (استروپ شنوایی، نقطه‌ها و شمردن به عقب) نسبت به تکلیف منفرد کمتر بود ($p\text{-value} = ۰/۰۰۶$ و $p\text{-value} < ۰/۰۰۱$) و $p\text{-value} < ۰/۰۰۱$). در صفحه عرضی در لحظه تماس اولیه، زاویه‌ی چرخش داخلی هیپ در سمت درگیر گروه ورزشکاران با بازسازی لیگامان متقاطع قدامی نسبت به اندام غالب گروه ورزشکاران سالم بطور معناداری بیشتر بود ($p\text{-value} = ۰/۰۱۲$)

نتیجه‌گیری: نتایج حاصل از مطالعه حاضر نشان داد که علیرغم دستیابی به قرینگی در مسافت لی لی تک پا در ورزشکاران با بازسازی لیگامان متقاطع قدامی، اختلالات کینماتیکی در مفاصل اندام تحتانی حین فرود لی لی تک پا در شرایط تکلیف منفرد و تکالیف مختلف شناختی دیده شد

واژگان کلیدی: بازسازی لیگامان متقاطع قدامی، آزمون لی لی تک پا، کینماتیک، تکلیف دوگانه، شناخت

پایان نامه جهت اخذ مدرک کارشناسی ارشد در رشته فیزیوتراپی ورزشی

عنوان: بررسی اثر خستگی بر کیفیت حرکت و تعادل پویا در ورزشکاران با جراحی بازسازی لیگامان صلیبی قدامی در مقایسه با ورزشکاران سالم

نگارنده: یحیی آرون

استادان راهنما: دکتر معصومه حسام، محمد مهر آور

استادان مشاور: دکتر سعیده منجزی، دکتر مریم سعادت

تاریخ دفاع: تیر ۱۴۰۴

چکیده:

مقدمه: از عوامل مؤثر در آسیب لیگامان صلیبی قدامی (ACL) در ورزشکاران، میتوان بر نقش الگوی والگوس پویای زانو و خستگی عصبی-عضلانی اشاره کرد. یافته ها نشان میدهند که خستگی موجب تشدید والگوس زانو، اختلال در کنترل پاسچر و افزایش خطر آسیب لیگامان صلیبی قدامی، به ویژه در شرایط غیربرخوردی مانند فرود یا تغییر جهت ناگهانی میشود. این مطالعه با هدف بررسی اثر خستگی عمومی بر تعادل پویا و کیفیت حرکت انجام شده است.

روش کار: این مطالعه یک مطالعه مداخله ای و نیمه تجربی است که در آن ۴۰ ورزشکار فوتبال و فوتسال مرد شامل ۲۰ فرد با سابقه جراحی لیگامان صلیبی قدامی و ۲۰ فرد سالم مورد بررسی قرار گرفتند. در هر دو گروه آزمون های تعادلی پویا با آزمون فرود تک پا و کیفیت حرکت با اسکوات تک پا قبل و بلافاصله بعد از اعمال پروتکل خستگی عمومی با توجه به شاخص های مربوطه ارزیابی شد.

نتایج: نتایج نشان داد شاخص کیفیت حرکت (اسکوات تک پا) و حداکثر نیروی واکنش سطح در لحظه فرود پس از خستگی، در هر گروه تغییر معناداری داشتند ($p < 0.001$) و ($p = 0.007$). همچنین، تنها متغیر دارای تعامل معنادار بین گروه ها و زمان، شاخص کیفیت حرکت بود ($p = 0.020$) که نشان دهنده کاهش کیفیت حرکت بین گروه هاست. سایر متغیرها تغییر معناداری نداشتند.

نتیجه گیری: خستگی می تواند کیفیت حرکت را به ویژه در ورزشکاران با سابقه جراحی به صورت معنادار کاهش دهد. در حالی که شاخص های تعادل پویا کمتر تحت تأثیر قرار گرفتند، کاهش عملکرد در آزمون اسکوات تک پا به وضوح قابل مشاهده بود. بر این اساس توصیه می شود در فرآیند توانبخشی و ارزیابی جهت آمادگی بازگشتن به ورزش به اثرات خستگی بر کیفیت حرکت نیز توجه شود.

واژگان کلیدی: خستگی، تعادل پویا، جراحی بازسازی لیگامان صلیبی قدامی، زمان رسیدن به پایداری

پایان نامه جهت اخذ مدرک کارشناسی ارشد در رشته فیزیوتراپی ورزشی

عنوان: سنجش قابلیت پاسخگویی نسخه فارسی پرسشنامه های «سنجش توانایی پا و مچ پا» و «ابزار بی ثباتی مچ پای کامبرلند» در ورزشکاران فارسی زبان مبتلا به پیچ خوردگی خارجی مچ پا

نگارنده: علی دیناروند

استادان راهنما: دکتر زهرا کوثریان

استادان مشاور: دکتر ناهید پیرایه

تاریخ دفاع: دی ۱۴۰۳

چکیده:

مقدمه: با توجه به شیوع بالای پیچ خوردگی مچ پا در ورزشکاران و پیامدهای متعاقب آن و همچنین لزوم و اهمیت استفاده از مقیاس های مناسب در رویکرد درمان مبتنی بر شواهد در حوزه ی توانبخشی، جهت فعالیت های بالینی و تحقیقاتی، هدف پژوهش پیش رو بررسی قابلیت پاسخگویی نسخه فارسی پرسشنامه های FAAM و کامبرلند در ورزشکاران فارسی زبان مبتلا به پیچ خوردگی خارجی مچ پا میباشد.

روش کار: در این مطالعه ۶۸ فرد مبتلا به پیچ خوردگی مچ پا شرکت کردند. آنها جهت ارزیابی اولیه، ابتدا در روز نخست و قبل از شروع پروسه مداخله-ی فیزیوتراپی پرسشنامه های مربوط به اطلاعات دموگرافیک، نسخه فارسی پرسشنامه های FAAM و کامبرلند را تکمیل کردند. سپس ۱۰ جلسه درمان فیزیوتراپی بر اساس گایدلاین ۲۰۲۱ بازتوانی مچ پای پیچ خورده انجام گرفت و جهت ارزیابی ثانویه، در نهایت ۴۸ ساعت پس از جلسه آخر درمان، فرد دو پرسشنامه-ی FAAM و کامبرلند و نیز مقیاس ۷ آیتمی رتبه بندی GRS را دریافت و تکمیل کرد. قابلیت پاسخگویی با استفاده از آنالیز منحنی ROC بررسی شد. بر اساس GRS بیماران به دو گروه بهبود یافته و بهبود نیافته تقسیم شدند و بهترین نقطه برش یا حداقل تغییرات مهم بالینی بوسیله منحنی ROC تخمین زده شد. میزان correlation این دو پرسشنامه با مقیاس GRS به عنوان رفرنس استاندارد نیز مورد بررسی قرار گرفت.

نتایج: قابلیت پاسخگویی بسیار خوبی برای نسخه فارسی پرسشنامه های FAAM و کامبرلند در ورزشکاران فارسی زبان مبتلا به پیچ خوردگی خارجی مچ پا با سطح زیر نمودار (به ترتیب) ۰/۹۴۳ و ۰/۹۷۴ بدست آمد. شاخص حداقل تغییرات بالینی مهم برای این پرسشنامه ها به ترتیب ۸ و ۱۰ بود. بین تفاوت نمره این پرسشنامه ها با نمره ی GRS ، correlation متوسطی دیده شد (۰/۵۴ و ۰/۴۱).

نتیجه گیری: نتایج این مطالعه نشان میدهد که نسخه فارسی پرسشنامه های FAAM و کامبرلند قابلیت پاسخگویی بسیار خوبی برای اندازه گیری میزان تغییرات بالینی در ورزشکاران فارسی زبان مبتلا به پیچ خوردگی مچ پا دارد. شاخص حداقل تغییرات بالینی مهم دو پرسشنامه FAAM و کامبرلند میتواند به کلینیسین ها و محققان برای شناسایی تغییرات معنی دار بیماران به دنبال برنامه توانبخشی کمک کند.

واژگان کلیدی: پیچ خوردگی مچ پا، قابلیت پاسخگویی، پرسشنامه کامبرلند، فارسی زبانان، سنجش توانایی پا و مچ پا، بی ثباتی

پایان نامه جهت اخذ مدرک کارشناسی ارشد در رشته فیزیوتراپی ورزشی

عنوان: تعیین تاثیرات فوری ارتعاش موضعی عضله بر کنترل تعادل در ورزشکاران مبتلا به بی ثباتی مزمن مچ پا

نگارنده: امیرحسین جمشیدی

استادان راهنما: دکتر راضیه مفتاح

استادان مشاور: دکتر امین بهداروندان، دکتر ندا اورکی فر

تاریخ دفاع: مهرماه ۱۴۰۲

چکیده:

مقدمه: به گونه ای که اختلال حس عمقی مفصل مچ پا به عنوان یکی از عوامل مشارکت کننده مهم برای اختلال کنترل تعادل در ورزشکاران مبتلا به بی ثباتی مزمن مچ پا گزارش شده است. ارتعاش موضعی عضله بعنوان یک تحریک مکانیکی قوی جهت فعال نمودن سیستم حس عمقی در نظر گرفته شده است. هدف از این مطالعه بررسی مقایسه ای اثرات فوری ارتعاش موضعی عضله بر کنترل تعادل ایستا و پویا بین ورزشکاران مبتلا به بی ثباتی مزمن مچ پا و کنترل سالم بود.

روش کار: در این مطالعه ۲۶ ورزشکار مبتلا به بی ثباتی مزمن مچ پا و ۲۶ ورزشکار کنترل سالم در این مطالعه شبه -تجربی شرکت کردند. ارزیابی های کنترل تعادل ایستا و پویا قبل و بلافاصله بعد از اعمال ارتعاش موضعی بر عضله نازک نی بلند انجام شدند. کنترل تعادل ایستا در وضعیت ایستاده بر روی یک پا با چشمان باز و بسته و کنترل تعادل پویا با استفاده از آزمون تعادلی گردش ستاره تعدیل یافته، مورد ارزیابی قرار گرفتند. برای ارزیابی کنترل تعادل ایستا، متغیرهای میانگین سرعت کلی مرکز فشار و جابه جایی در جهات قدامی-خلفی و داخلی-خارجی و برای کنترل تعادل پویا، متغیرهای مسافت دست یابی در جهات قدامی، خلفی-داخلی و خلفی-خارجی محاسبه شدند .

نتایج: تحلیل های آماری، کاهش معنادار در میانگین سرعت کلی و جا به جایی در جهت قدامی-خلفی از قبل تا بعد از اعمال ارتعاش موضعی عضله در وضعیت چشمان باز در هر دو گروه ورزشکاران مبتلا به بی ثباتی مزمن مچ پا (به ترتیب $P=0.02$ و $P=0.04$) و ورزشکاران کنترل سالم (به ترتیب $P=0.001/0 > P$) و ورزشکاران کنترل سالم (به ترتیب $P=0.04$ و $P=0.01$) مشاهده شد. علاوه بر این، مقدار میانگین تفاوت برای متغیر میانگین سرعت کلی در وضعیت چشمان بسته در ورزشکاران مبتلا به بی ثباتی مزمن مچ پا در مقایسه با ورزشکاران کنترل سالم، بصورت معناداری بیشتر بود. همچنین نتایج، افزایش معنادار مسافت دست یابی در جهات قدامی ($P=0.001/0 > P$)، جهت خلفی-داخلی ($P=0.001/0 > P$) و خلفی-خارجی ($P=0.001/0 > P$) را در همه شرکت کنندگان بعد از اعمال ارتعاش موضعی عضله نشان داد.

نتیجه گیری: نتایج مطالعه حاضر پیشنهاد می کند که ارتعاش موضعی عضله را شاید بتوان به عنوان ابزاری مفید در توانبخشی اختلالات کنترل تعادل ایستا و پویا در ورزشکاران مبتلا به بی ثباتی مزمن مچ پا استفاده نمود.

واژگان کلیدی: بی ثباتی مزمن مچ پا، ورزشکاران، کنترل تعادل، ارتعاش موضعی عضله، حس عمقی.

پایان نامه جهت اخذ مدرک کارشناسی ارشد در رشته مدیریت توانبخشی

عنوان: بررسی عوامل موثر بر کیفیت مراقبت مادرانه در مراقبان اصلی کودکان مبتلا به سیستمیک فیبروز شهر اهواز

نگارنده: فرنگیس ملا

استادان راهنما: دکتر رویا قاسم زاده

استادان مشاور: دکتر سعید حسام، نسیمه نوری ممبینی

تاریخ دفاع: اسفند ۱۴۰۳

چکیده:

مقدمه: امروزه با پیشرفت علم و تکنولوژی، امکان بقای کودکان سیستمیک فیبروز فراهم شده است. مراقبت های با کیفیت علاوه بر تضمین بقای آنها، سلامت روانشناختی مناسب تری را برای آینده شان فراهم کند. این مطالعه با هدف بررسی عوامل موثر بر کیفیت مراقبت مادرانه در مراقبان اصلی کودکان مبتلا به سیستمیک فیبروز در شهر اهواز انجام شد.

روش کار: مطالعه حاضر یک مطالعه توصیفی - تحلیلی بود. جامعه آماری پژوهش شامل مراقبان اصلی کودکان سیستمیک فیبروز دریافت کننده خدمات درمانی دولتی در شهر اهواز بود و ۱۵۴ نفر به روش نمونه گیری دردسترس انتخاب شدند. ابزارهای پژوهش شامل پرسشنامه کیفیت مراقبت مادرانه، پرسشنامه سلامت عمومی گلدبرگ و هیلر، پرسشنامه بهزیستی روانشناختی ریف، پرسشنامه خودکارآمدی شوارزر و جروسلم و پرسشنامه اطلاعات دموگرافیک بودند. داده ها با استفاده از ضریب همبستگی اسپیرمن، تحلیل رگرسیون، تحلیل واریانس و مدل یابی معادلات ساختاری توسط نرم افزارهای SPSS نسخه ۲۵ و AMOS تحلیل شدند.

نتایج: نتایج ضریب همبستگی اسپیرمن نشان داد که نمره پرسشنامه بهزیستی روانشناختی و نمره پرسشنامه خودکارآمدی ارتباط مثبت معنی دار با نمره پرسشنامه کیفیت مراقبت مادرانه دارند ($r=0.692$) و ($p<0.001$)، در حالی که نمره پرسشنامه سلامت عمومی رابطه منفی معنی دار با نمره پرسشنامه کیفیت مراقبت مادرانه داشت ($r=-0.575$) و ($p<0.001$) مدل یابی معادلات ساختاری نشان داد که بهزیستی روانشناختی مهم ترین پیش بینی کننده کیفیت مراقبت مادرانه است ($B=0.708$) و ($P<0.001$).

نتیجه گیری: توجه به نیازهای مراقبان اصلی جهت بهبود کیفیت مراقبت های غیررسمی الزامیست.

واژگان کلیدی: کیفیت مراقبت مادرانه، سلامت عمومی، بهزیستی روانشناختی، خودکارآمدی، کودکان سیستمیک فیبروز

پایان نامه جهت اخذ مدرک کارشناسی ارشد در رشته گفتار درمانی

عنوان: بررسی ساز و کار های تطابق با ناتوانی صوتی در بیماران دارای اختلالات صدا

نگارنده: نگین آقایی

استادان راهنما: دکتر مجید سلطانی

استادان مشاور: دکتر نگین مرادی

تاریخ دفاع: اسفند ماه ۱۴۰۲

چکیده:

مقدمه: هدف از پژوهش حاضر بررسی ساز و کار های تطابق با ناتوانی صوتی در بیماران دارای اختلالات صدا بود.

روش کار: در این مطالعه ی تویولوژیک توصیفی، ۱۰۷ نفر شرکت کردند. در این مطالعه با استفاده از اطلاعات موجود در پرونده ی پزشکی بیماران، اطلاعات مربوط به بیماران بدست آمد. ابتدا هریک از بیماران با استفاده از ویدئو استروبوسکوپی مدل اکلیس توسط یک گفتاردرمانگر حرفه ای با بیش از ۱۵ سال سابقه کار در حوزه صوت، و همچنین متخصص گوش و حلق و بینی مورد بررسی قرار گرفتند سپس بر اساس یافته های ویدئو استروبوسکوپی و نظر متخصص گوش و حلق و بینی، افرادی را که تشخیص اختلالات صوت دریافت کردند، انتخاب شدند. ۳۱ نفر هم بدون اختلال صدا وارد مطالعه شدند. در این پژوهش از چهار پرسشنامه اطلاعات دموگرافیک، تطابق با ناتوانی صوتی، کیفیت زندگی وابسته به صدا و شاخص معلولیت صدا به عنوان ابزار جمع آوری داده ها استفاده شد. به منظور تجزیه و تحلیل داده ها از روش آماری spss استفاده شده است.

یافته ها: نتایج آزمون های آماری نشان داد که تفاوت معناداری بین افراد مبتلا به اختلال صوت و افراد سالم در مقیاس تطابق با ناتوانی صوتی وجود دارد ($p < 0.05$). همچنین ارتباط معنادار و مثبتی بین متغیر تطابق با ناتوانی صدا با شاخص معلولیت صدا و کیفیت زندگی وابسته به صدا وجود داشت و این دو بیش بینی کننده میزان تطابق با ناتوانی صوتی هستند.

نتیجه گیری: این مطالعه نشان داد از اهمیت متغیرهای کیفیت زندگی و شاخص معلولیت صدا در پیش بینی تطابق با ناتوانی صوتی در بیماران مبتلا به اختلالات صوتی دارد که لازم است در کنار توانبخشی برای اختلالات صوتی مورد توجه قرار گیرد.

واژگان کلیدی: ساز و کارهای تطابق، اختلالات صدا، کیفیت زندگی، معلولیت صدا

پایان نامه جهت اخذ مدرک کارشناسی ارشد در رشته گفتار درمانی

عنوان: انطباق فرهنگی و روانسنجی نسخه فارسی پرسشنامه تغذیه کودکان بیمارستان مونترال

نگارنده: فاطمه وجودی قره تکان

استادان راهنما: دکتر مجید سلطانی

استادان مشاور: دکتر نگین مرادی

تاریخ دفاع: اسفندماه ۱۴۰۲

چکیده:

مقدمه: هدف از پژوهش حاضر بررسی روایی و پایایی پرسشنامه (MCH-FS) برای ارزیابی کودکان دارای مشکلات تغذیه ای فارسی است.

روش کار: در این مطالعه توصیفی تحلیلی ۱۲۰ کودک در رنج سنی ۶ ماه تا ۶ سال و ۱۱ ماه در ۲ گروه بیمار و سالم شرکت کردند (در هر گروه ۶۰ نفر). ابتدا پس از کسب مجوزهای مربوطه مراحل روایی و پایایی انجام شد. روایی در دو بخش روایی صوری و محتوایی و پایایی بیرونی مورد بررسی قرار گرفت. بعد از جمع آوری پرسشنامه ها داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS نسخه ۲۲ بررسی شد. برای روایی محتوا شاخص های CVI , CVR ۵ نفر متخصص در زمینه گفتار درمانی برای محاسبه روایی محتوا به کار برده شد. به منظور محاسبه و ارزیابی پایایی از شاخص آلفای کرونباخ استفاده شد.

یافته ها: در این مطالعه جهت بررسی میزان شاخص نسبت روایی محتوایی پرسشنامه در اختیار ۱۰ نفر از صاحب نظران قرار گرفت و نسبت روایی محتوایی کلی برابر ۰/۸۲ بود که حاکی از آن است که روایی محتوایی پرسشنامه رعایت شده است. برای روایی صوری بر اساس تعداد متخصصین که شرکت کردند (۵ نفر) روایی هر کدام از سوالات قابل قبول بود و سوالاتی از پرسشنامه حذف نشد. در زمینه بررسی پایایی ضریب آلفای کرونباخ کلی پرسشنامه برابر ۰/۹۸۸ بود که قابل قبول می باشد.

نتیجه گیری: طبق بررسی ها و نتایج به دست آمده پرسشنامه (MCH-FS) شاخص مناسبی برای ارزیابی کودکان دارای مشکلات تغذیه ای می باشد.

واژگان کلیدی: مشکلات تغذیه ای- پرسشنامه- کودکان

پایان نامه جهت اخذ مدرک کارشناسی ارشد در رشته گفتار درمانی

عنوان: تطابق بین فرهنگی و تعیین ویژگی های روانسنجی نسخه فارسی بانک اطلاعات مشارکت ارتباطی (CPIB) در بیماران مبتلا به سرطان سر و گردن

نگارنده: شیما کلاه کج

استادان راهنما: دکتر بهنوش طحان زاده

استادان مشاور: دکتر ساسان رزمجو، دکتر سعید قنبری

تاریخ دفاع: تیر ماه ۱۴۰۴

چکیده:

مقدمه: مشارکت ارتباطی که منجر به تبادل دانش، اطلاعات، ایده ها و احساسات می شود ممکن است توسط بیماری هایی از جمله سرطان های سر و گردن آسیب می بیند. پرسشنامه بانک اطلاعات مشارکت ارتباطی روی اندازه گیری این مفهوم در موقعیت های گفتاری روزمره تمرکز دارد. هدف از پژوهش حاضر، تطابق بین فرهنگی و تعیین ویژگی های روانسنجی این پرسشنامه به زبان فارسی در بیماران مبتلا به سرطان سر و گردن است.

روش کار: در این مطالعه مقطعی و متدولوژیک پس از بررسی تطابق بین فرهنگی، روایی محتوایی و صوری به ترتیب براساس نظر صاحب نظران و گروه هدف بررسی شد. در انتها سایر ویژگی های روانسنجی شامل روایی بالینی، روایی همزمان، پایایی (درونی و بیرونی)، برای گروه افراد سالم ($n=30$) و مبتلایان به سرطان سر و گردن ($n=200$) بررسی گردید.

نتایج: روایی محتوایی و صوری برای ۴۶ گویه پرسشنامه قابل قبول بود. روایی بالینی تمایز معنادار بین نمره گروه بیمار و سالم را نشان داد. آلفای کرونباخ بیش از 0.90 بود. ICC در محدوده قابل قبول و معنادار بود. ضریب همبستگی میان نمرات کل دو پرسشنامه CPIB و SHI ($r = -0.746$) بود.

نتیجه گیری: نسخه فارسی پرسشنامه CPIB از روایی و پایایی مناسبی برخوردار است. بنابراین، این آزمون میتواند به عنوان ابزاری کارآمد برای ارزیابی مشارکت ارتباطی در بیماران مبتلا به سرطان سر و گردن و تمایز آن ها با گروه افراد سالم مورد استفاده قرار گیرد.

واژگان کلیدی: مشارکت ارتباطی، بانک اطلاعات مشارکت ارتباطی، سرطان سر و گردن، تطابق بین فرهنگی، روانسنجی